

نشست علمی استاد کلباسی با موضوع :

شباهت‌ها و ارتباطات غدیر و مهدویت

عرض سلام دارم خدمت عزیزان و امیدوارم که ایام عید غدیر بر همه مبارک باشد، بین غدیر و مهدویت تشابهات فراوانی وجود دارد از جمله:

۱. غدیر و مهدویت هر دو ابلاغ قرآنی و وحیانی هستند

غدیر در سوره مبارکه مائده آیات متعددی دارد که از جمله آیه ۶۷ :
«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»
فرمان می‌دهد که دستور پروردگار را که بر تو نازل شده ابلاغ کن و این دستور به قدری مهم است که اگر آن را ابلاغ نکنی گویا رسالت را به طور کلی ابلاغ نکرده‌ای؛ یعنی اینقدر نقش اساسی دارد.

به دلیل اینکه امامت امتداد نبوت است و اگر نبوت باید راسخ و مستمر باشد، این با امامت است که این رسوخ و استمرار رو پیدا می‌کند .

بنابراین غدیر از جانب خدا بود و به تصریح قرآن مجید و به روایات متواتر این موضوع ، موضوع غدیر ابلاغی الهی بود که در غدیر خم در سالی که پس از سال حجت الوداع بود صورت گرفت.

اما مهدویت در سوره انبیا آیه ۱۰۵ می‌خوانیم که:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

ما در زبور بعد از تورات نوشتیم؛ یعنی این ابلاغیه الهی است و به تعبیر امروزی «بخشنامه الهی» است که زمین را صالحان به ارث خواهند برد و این میراث صالحان در زمین همان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ البته این ابلاغ در آیات فراوان قرآن مورد تصریح قرار گرفته یکی از آنها آیه ۱۰۵ سوره انبیا هست؛ آیه ۵۵ سوره نور؛ در سوره صافات اواخر سوره بیانی دارد که این ابلاغیه، ابلاغیه‌ای به همه انبیاء است بدون استثناء، می‌فرماید: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ» (سوره صافات، آیه ۱۷۱) ، این کلام ما و این حقیقت الهی و این ابلاغیه پروردگار به همه انبیای گذشته صورت گرفته است؛ یعنی از آدم تا خاتم.

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ» این جمله، جمله‌ای است که با ادات تحقیق و با قسم چون «لام» لام قسم است و «قد» قد تحقیق است؛ یعنی هر آینه حتماً و

محققاً «سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا» کلام ما پیشی گرفت؛ یعنی این یک ابلاغیه قطعی، اصلی و مهم و حتمی است. به چه کسی این ابلاغ شد؟

«لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ» برای همه انبیاء، خوب این کلمه‌ای که می‌فرماید به همه ابلاغ شد، حتماً و قطعاً و بدون تردید به صورت عام؛ و شامل چی بود؟ آن کلمه این است که «إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ» (صافات، آیه ۷۲) آنها حتماً و بدون تردید تنها پیروزمندان اند و «وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات، آیه ۷۳)، لشکر ما لشکر منحصراً پیروز است؛ یعنی گرچه باطل و باطل گرایان و قدرت‌های فاسد، چند روزی و چند صباحی تاخت و تازی در عرصه تاریخ داشته باشند، اما قطعاً و حتماً پیروزی از آن **عباد و بندگان** **ما** خواهد بود و لشکر ما لشکر پیروز است؛ اگر ایامی در غزه جنایت بکنند، کودک کشی کنند، زنان خانه‌دار و زنان باردار و کودکان در بیمارستان و اطفال و بیماران و پیرمردها و پیرزن‌ها و.... را به بهانه‌ها و با شکل‌های مختلف قتل عام بکنند تصور نکنند که کارشان به آخر خواهد رسید «وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» ما لشکر پیروز خواهد بود.

این‌ها نمونه‌هایی است از اینکه مهدویت هم وعده خداست و کما اینکه غدیر و امامت مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم پیام آسمانی و ابلاغیه الهی است.

۲. ابلاغ (غدیر و مهدویت) از جانب شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است

یعنی علاوه بر اینکه خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مأموریت داده است که با آیات قرآن، پیام خدا را بخواند برای مردم، توسط خود پیامبر هم این ابلاغ شده و به صورت خاص روی آن تأکید شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر بنا بر نقل فریقین یعنی تواتر بین شیعه و سنی در کتب معتبر، نه یک راوی، نه دو راوی، نه ده راوی، نه صد راوی، که شما عزیزان این را می‌توانید در «الغدیر» ملاحظه کنید که اسناد حدیث غدیر چیست؛ در «صحاح سته» در کتب معتبر دیگر اهل سنت و در روایات اهل بیت علیهم السلام این جمله جزء جملاتی است که قطعاً از زبان نبی مکرم اسلام علیه آلاف التحية والثناء صادر شده که فرمودند: «أَلَسْتُ أَوَّلَى

يَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ؟» (خطبه غدیر)، فرمود من ولی شما، سرپرست شما، امام شما، پیشوای شما و اولی به شما از خودتون هستم؟
 فرمود چه کسی او از همه به مردم سزاوارتر است؛ مردم گفتند یا رسول الله! خدا و رسولش. حضرت به دنبال این فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ (خطبه غدیر)؛ هر کسی که من ولی او هستم علی امیرالمؤمنین علیه السلام ولی اوست و به دنبال آن فرمود: اللَّهُمَّ وَالِي مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ (خطبه غدیر)، در کتب معتبر هست که سه مرتبه حضرت تأکید فرمودند و تکرار کردند.

اما مهدویت، می بینیم رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
 لَوْ لَمْ يَنْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ (بحار الأنوار ج ۵ ص ۷۴) اگر فرض کنیم، فرض محال که از عمر جهان یک روز بیشتر باقی نباشد، این فرضه دیگه و نه اینکه چنین چیزی اتفاق می افتد؛ یعنی اینقدر این مسئله قطعی و حتمی ست که اگر فرض کنیم از عمر جهان یک روز بیشتر باقی نباشد، خدا اون روز را چنان طولانی می کند که «حَتَّى يُخْرِجَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» (همان) تا مردی از اهل بیت من خروج کند و «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَذْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (همان) زمین را از عدل و داد پر کند آن زمان که پر از ظلم و جور شده باشد یا آنگونه که پر از ظلم و جور شده باشد؛ پس می بینیم علاوه بر ابلاغ الهی، هم غدیر و هم مهدویت ابلاغ نبوی هم دارند یعنی رسول گرامی اسلام به این ابلاغ عمل کردند و در کلمات خودشون مکرراً این مطالب را بازگو کردند

۳. منکر غدیر و مهدویت کافر است

البته این کفر مرحله ای از کفر است، نه اون جهود که انکار دین و خدا و همه چیز با هم است؛ یعنی این از مراحل کفر شمرده شده است.
 ببینید روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که حضرت فرمودند به امیرالمؤمنین: «لَا يُؤَالِيكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَ لَا يَعَادِيكَ إِلَّا كَافِرٌ» (الاحتجاج ج ۱ ص ۶۹)؛ فرمود جز مؤمن، تو را، ولایت تو را نخواهد پذیرفت و جز کافر با تو دشمنی نخواهد ورزید؛ پس دشمنی با امیرالمؤمنین و دور شدن از حضرت، مرحله ای از کفر است و دنبال آن هم حضرت بیاناتی دارند که فرمود منکر تو، منکر من

است؛ یعنی کسی که تو را و ولایت تو را انکار بکند، مرا انکار کرده و کسی که مرا انکار کند، خدا را انکار کرده و وارد حیطة کفر شده است.

در مورد مهدویت نیز پیامبر اکرم علیه آلاف التحية والثناء فرمودند: «يَكُونُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ تِسْعَةُ أَيْمَةٍ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ» (بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۳۹۸) فرمود نهمین فرزند وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام قائم آنها خواهد بود و فرمود: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدلاً كَمَا مِلَّتْ ظُلماً وَ جَوَراً» (بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۳۹۴)، اوست که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد بعد فرمود: «وَمَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرَ وَاحِداً مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي» (الاحتجاج ج ۱ ص ۶۸) هرکه یکی از اینها را انکار کند، مثل اینکه مرا انکار کرده و کسی که مرا انکار کند گویا خدا را انکار کرده پس ببینید هر دوی اینها موجب کفر است و لااقل مرحله‌ای از کفر است.

۴. احادیث غدیر و مهدویت متواتر^۱ هستند

ذهبی، از علمای اهل سنت (متوفای قرن هشتم) در کتاب «سیر اعلام النبلاء» جلد چهارده می‌گوید که:

«محمد بن جریر طبری طرق حدیث غدیر را در چهار جلد جمع کرده که بخشی از آن را من دیدم و به خاطر وسعتش من بهت زده شدم و این رو گواهی می‌دهد که من یقین کردم که این روایت و حدیث غدیر جزء احادیث قطعی است».

و همچنین در «تذکره الحُفَظاء» می‌نویسد که:

«یک جلد از مجلدات طرق حدیث غدیر رو که طبری جمع آور کرده من دیدم و مبهوت شدم از این حدیث و از این همه طریق».

بنابراین اگر امروز ما به حق ادعا می‌کنیم که حدیث غدیر متواتر است؛ بدانیم که این مسئله مربوط به امروز نیست این گواهی یکی از بزرگ‌ترین حدیث شناسان و رجالیان اهل سنت است.

^۱ حدیث متواتر حدیثی است که از طرق مختلف به قدری نقل شده و افراد مختلف از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و یا از سایر طرق نقل کردند که احتمال کذب و احتمال اینکه کسی او را ساخته باشد وجود ندارد.

پس حدیث غدیر متواتر است که حالا من اگر فقط بخوام گواهی‌های اهل سنت را بر تواتر حدیث غدیر برای شما بگویم بسیار به طول می‌انجامد.

همین علمای اهل سنت در تمام قرون، یعنی قرن اول، دوم، سوم، چهارم تا زمان حاضر ادعای تواتر اخبار مهدویت را کردند؛ یعنی گفته اند اخبار دالّ بر مهدویت متواتر است و کسی اگر اهل نظر و اهل دقت و اهل فهم باشد تردید نمی‌کند، که این‌ها از پیامبر اکرم علیه آلاف التحية والثناء صادر شده است.

۵. غدیر و مهدویت امتداد سنت هدایت الهی در هر زمان است

شما الان در هر جای دنیا ملاحظه بکنید اگر حکومتی باشد یا شبه حکومت، حتی یک حکومت خانوادگی و قبیلگی، حتماً فکری برای آینده آن کرده اند. یک تدبیری کرده اند. حالا این تدبیر به شکل‌های مختلف است.

وقتی که خلیفه اول در بستر فصل [جداشدن] از این دنیا بود، و در حال موت، دختر او یعنی عایشه خطاب به پدرش چنین گفت که پدر داری از دنیا میری، امت را به چه کسی می‌سپارید؛ یعنی عایشه هم این مطلب را کاملاً درک می‌کند که بعد از حکومت و خلافت پدرش اوضاع چه خواهد شد و لذا اشاره کرد به خلیفه دوم و حالا مسائلی که اتفاق افتاد... اینکه پیامبر اکرم ﷺ جامعه‌ای رو تشکیل بدهند، بعد از آن همه مجاهدت‌های طولانی، آن همه فداکاری‌ها اما حالا دیگه بگن هر طوری شد شد این چیزی نیست که عقل آن را بپذیرد.

سنت خداوند هم این است که وقتی بنایی می‌گذارد، این بنا استمرار دارد. امامت استمرار نبوت است و این متخذ [بر گرفته] از آیات قرآن است که هیچگاه زمین از حجت خدا خالی خواهد بود.

حالا مهدویت هم استمرار هدایت و سنت هدایتگری الهی و حجت الهی روی زمین است. کما اینکه غدیر هم امتداد نبوت و امتداد رسالت نبی مکرم اسلام ﷺ است. البته در قالب امامت است، نه اینکه امامت

همانند نبوت باشد امامت امتداد وظایف نبوت است و ادامه کار هدایتی نبی مکرم اسلام ﷺ چنانکه مهدویت نیز همین است .

۶. مهدویت امتداد غدیر است

در آیه ۷ سوره مبارکه رعد می فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» ، پیامبر تو منذری و هر قومی هادی خواهد داشت؛ لذا نبی مکرم اسلام فرمودند: «أَنَا الْمُنْذِرُ، وَ عَلَيَّ الْهَادِ» (شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۸۸)، من منذر و علی پس از من هدایتگر است و همانگونه که امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از پیامبر اکرم ﷺ هدایتگر امت هستند؛ امام عصر علیه السلام نیز در عصر غیبت هدایتگر دل ها است و وظایف هدایتی امت را بر عهده دارد

۷. غدیر و مهدویت هدف واحدی را دنبال می کنند

از ویژگی های امیرالمؤمنین علی علیه السلام این بوده است که عدالت جزء ریشه ای ترین و بنیادی ترین کار حضرت بوده و حتی این جمله مشهور است که «قُتِلَ عَلِيٌّ لِشِدَّةِ عَدْلِهِ» «امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خاطر شدت عدالتش به شهادت رسید؛ یعنی از بس در موضوع عدالت دقیق و سخت گیر بود؛ لذا فرمود که اگر خورشید را در دست راست من قرار دهند و ماه را در دست دیگر من؛ یعنی این جهان را در اختیار من قرار دهند و به من بدهند، برای اینکه من یک پوست جویی را به ظلم از دهان مورچه ای بگیرم من که علی هستم چنین نخواهم کرد؛ یعنی جهانی را نخواهم گرفت که ظلمی به یک مورچه شود و پر پوست جویی از دهان او به ظلم گرفته شود، که عبارات نهج البلاغه و دیگر سخنان امیرالمؤمنین در این زمینه علاوه بر روش و سیره و سنت حضرت در اینکه چگونه زندگی کنند، چگونه حکومت کنند، روابطشان با اطرافیان شان، با خویشان و اندیشان و با دوستان شان چگونه باشد؛ حتی اگر این سختی در عدالت به جنگ جمل منتهی شود به جنگ صفین منتهی شود که همه این ها ریشه اش آن بحث عدالت علوی بود که جزو مهم ترین مسئولیت ها و وظایف حضرت بود که به شدت به دنبال آن بودند. این راجع به امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

همچنین پرچم مهدویت پرچم عدالت است. نبی مکرم اسلام ﷺ فرمود: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا» یعنی شما وقتی می خواهید مهدویت رو بشناسید، معرفی کنید، مهم ترین موضوع، بحث عدالت است.

عدالت هم نه فقط مقصود عدالت اقتصادی است؛ بلکه عدالت اقتصادی یک شاخه از عدالت است. عدالت فکری، عدالت اجتماعی، عدالت سیاسی، عدالت خانوادگی و.... عدالت یک مرز بسیار وسیعی دارد که در همه مسائل عدالت کاربرد دارد، حتی عدالت بین دنیا و آخرت اعتدال بین دنیا و آخرت. فرمود «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ» (من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۱۵۶) از ما نیست کسی که دنیای مباح خود را به خاطر آخرت رها کند و از ما نیست کسی که آخرت را به خاطر دنیا رها کند «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» (بقره آیه ۲۰) می خواهم بگویم عدالت مرز گسترده ای دارد که این مرز گسترده هم در حکومت و ولایت مولا امیرالمؤمنین قابل ملاحظه است و هم در حکومت حضرت بقية الله الاعظم ارواحنا له الفدا.

۸. غدیر و مهدویت دشمنان مشترک دارند

ما وقتی که تاریخ را ورق بزنیم، می بینیم که بنی امیه و آل ابی سفیان، دشمنان ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بودند؛ لذا می بینیم جنگ صفین بلکه جنگ جمل که تحریکاتش و تسهیلاتش از جانب معاویه تأمین می شد، دشمنی آل ابی سفیان با امیرالمؤمنین و با اهل بیت مسئله ای است کاملاً عیان و روشن که نیازی به استدلال و توضیح و توجیه ندارد.

این دشمنی در عصر ظهور هم اتفاق خواهد افتاد، به همین خاطر دشمن اصلی حضرت مهدی (علیه السلام)، سفیانی است؛ بلکه دجال هم هست ولی سفیانی نقش عمده را در زمان ظهور ایفا می کند و سفیانی است که به مدینه حمله می کند، در طلب حضرت مهدی (علیه السلام). این لشکر سفیانی است که حضرت را در مسیر مکه تعقیب می کند و در سرزمین بیداء، آن خسف که از علائم حتمی ظهور است اتفاق می افتد.

بنابراین دشمنان مشترک هم بین غدیر و بین مهدویت وجود دارد که تجلی این دشمنی در آل ابی سفیان است.

۹. وجود اصحاب خاص، در جریان غدیر و مهدویت

در روز غدیر از ۹۰ هزار تا ۱۲۰ هزار نفر نوشتن حاضر بودند، به هر حال جمعیت بسیاری است در آن زمان؛ اما کسانی که این مطلب را به خوبی دریافتند و پای آن ایستادند، آنها عده کمی بودند. و همانگونه که قرآن می‌فرماید عده خیلی در سپاه طالوت وفادار ماندند. «وَمَا أَمَنَّ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (سوره مبارکه هود آیه ۴۰) یا در شرایط مختلف به این قَلَّت اشاره می‌کند.

اصحاب اصلی امام عصر علیه السلام هم تعداد اندکی هستند. شما امروز در دنیا صاحبان قدرت و زور و سلاح را می‌بینید، میلیون‌ها نفر در خدمتشان هستند. لشکریان بسیار، سلاح‌های گوناگون؛ اما اصحاب اصلی امام عصر علیه السلام، سیصد و سیزده نفرند؛ اگرچه بسیاری دیگر به آن‌ها می‌پیوندند اما آن هسته اصلی که به اصطلاح کابینه حضرت را برای اداره جهان تشکیل می‌دهند، آن‌ها عده خیلی هستند؛ کسانی که اون هسته مرکزی را پوشش می‌دهند، کما اینکه در غدیر هم علی رغم حضور بسیاری در صحنه غدیر، عده کمی وفادار ماندند و این حقیقت را فراموش نکردند و علی رغم سیاست‌های قدرت‌ها و تسلط‌های دشمنان، به خصوص آل ابی‌سفیان بر جهان اسلام که می‌بستند دهن‌ها را، به طرق مختلف، با زور با زر با تزویر و سعی می‌کردند این حقایق را پنهان کنند و وارونه جلوه بدهند، اما عده اندکی بر پیمان‌شان ماندند و همچنان مدافع غدیر بودند، مدافع اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

این‌ها گوشه‌ای از شباهت‌ها و ارتباطات غدیر و مهدویت بود.

خداوند همه ما را وفادار به غدیر و به وارث غدیر یعنی وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفدا قرار دهد و به ما توفیق بدهد که در این مسیر کوشا باشیم و ان شاء الله از یاران حضرت مهدی علیه السلام قرار بگیریم.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته